بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 8 1](#_Toc136337147)

[بررسی مقتضای قاعده 2](#_Toc136337148)

[بررسی کلام محقق بروجردی در جلد 6 تبیان الصلاه 2](#_Toc136337149)

[اشکالات کلام محقق بروجردی 3](#_Toc136337150)

[بررسی کلام محقق بروجردی در جلد 7 تبیان الصلاه 5](#_Toc136337151)

[نظر استاد در فرض نسیان رکوع 6](#_Toc136337152)

[دفع یک شبهه 6](#_Toc136337153)

[بررسی کلام حاج شیخ عبد الکریم حائری 7](#_Toc136337154)

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته ادامه مساله 7 مطرح شد شاهدی در کلام شیخ انصاری و محقق خوئی مطرح بود که بررسی شد در ادامه مساله 8 مطرح شد که اگر مکلف رکوع را فراموش کند حکمش چیست؟ دو فرض دارد قبل از سجده اولی متذکر شود که اجماع هست بر اینکه برگردد و رکوع را تدارک کند و نماز صحیح است. فرض دوم بعد از دخول در سجده ثانیه متذکر شود در این فرض مشهور قائل به بطلان نماز هستند اما جماعتی مثل محقق خوئی قائل به صحت هستند.

# ادامه مساله 8

بحث در این است که بعد از دخول در سجده اول، یادش آمد که رکوع را فراموش کرده است، مشهور گفته اند: نماز باطل است

صاحب عروه فرمودند: نماز صحیح است و برمی گردد رکوع را تدارک می کند و دو سجده را اتیان می کند.

در مورد مقتضای قاعده گفتگو شد و کلمات محقق بروجردی بررسی شد که ایشان در جلد 6 تبیان صفحه 32 فرمودند: مقتضای قاعده بطلان نماز است چون ترتیب شرط صلاه است کانّه اگر ترتیب شرط ذات رکوع و سجود بود می توانستیم آن را تصیحیح کنیم به این بیان که این سجده فاقد شرط ترتیب است و با ورود در سجده محل رکوع نگذشته است و می توان رکوع را تدارک کرد اما ترتیب وقتی شرط نماز است این سجود مشکلی ندارد با ورود در آن محل رکوع گذشته و قابل تدارک نیست

در نهایه التقریر ج 2 ص ص253 فرمودند: همین که دلیل نداریم بر اینکه ترتیب شرط ذات رکوع و سجود است برای حکم به بطلان نماز کافی است.

سوال ما این است که اگر شک کنیم که ترتیب بین رکوع و سجود شرط صلاه است یا شرط ذات رکوع و سجود، از شرطیت ترتیب در نماز چرا برائت جاری نباشد؟ چون اگر ترتیب بین رکوع و سجود شرط نماز باشد،، نماز را باطل کرد از این ترتیب برائت جاری می کنیم و نتیجه این است که ترتیب بین رکوع و سجود شرط نماز نیست لذا با ورود در این سجود محل تدارک رکوع نگذشته است چون اگر سجود مشروط به این باشد که بعد از رکوع باشد، این سجود بعد از رکوع نبوده است و با ورود در سجده محل تدارک رکوع نگذشته است با برائت از شرطیت ترتیب در نماز، می توان این را اثبات کرد. ایشان باید اثبات کند که ترتیب شرط نماز است نه شرط ذات رکوع و سجود تا بتواند ثمره بار کند و بگوید این نماز باطل است و با ورود در این سجود (که فاقد هیچ شرطی نیست) محل تدارک رکوع گذشته است.

در جلد 7 تبیان فرمودند مقتضای قاعده صحت نماز است و برمی گردد رکوع را تدارک می کند و دو سجده را اتیان می کند؛ چون ترتیب شرط نماز است می تواند رکوع را تدارک کند و الا اگر شرط رکوع و سجود باشد این سجود وقتی اتیان شد سجودی بود که واجد شرط نبود اگر دوبار سجده کند زیاده سجدتین است که مقتضای قاعده، بطلان است اما اگر یک سجده را بجا بیاورد، در این صورت ظاهرا نباید بین دو مبنای شرطیت ترتیب فرقی باشد (ترتیب چه شرط نماز باشد و چه شرط رکوع و سجود باشد) اگر ترتیب شرط رکوع و سجود باشد سجده واحده چون فاقد شرط شرعی است زیاده است و نباید مضر باشد

حاج شیخ عبدالکریم حائری در تقریرات صلاه که مرحوم میرزا محمود آشتیانی نوشته اند، در صفحه 296 فرمودند: ترتیب اگر شرط نماز باشد، بعد از سجده اولی برمی گردد و رکوع می کند و بعد از رکوع یک سجده بجا می آورد چون اخلال این شخص به ترتیب از روی عذر بوده است حتی اگر دو سجده بجا بیاورد و متذکر شود که رکوع نکرده است، حدیث لاتعاد تصحیح می کند و فقط رکوع را تدارک می کند و دو سجده را لازم نیست اعاده کند چون سجدتین که مشکل نداشت فقط ترتیب را رعایت نکرده است که لاتعاد آن را تصحیح می کند

اما اگر ترتیب شرط رکوع و سجود باشد، ایشان فرمودند: در این صورت هم نماز صحیح است اما باید بعد از رکوع دو سجده دیگر بیاورد و نباید به آن دو سجده قبل از رکوع اکتفا کند؛ چون مامور به سجود بعد از رکوع است و آن دو سجده قبل از رکوع هم مشکل زیاده ندارد چون زیاده سجود شرعی نیست بلکه زیاده سجودی است که فاقد شرط شرعی است شرط بعد از رکوع را ندارد.

در نهایت ایشان فرمودند: این مطالب ما چون توالی آن خلاف اجماع است، نمی توان به آن قائل شد اما می توان توجیه کرد به نحوی که با اجماع موافق شود.

توضیح توالی خلاف اجماع این مطالب

از یک طرف اجماع داریم که قبل از رکوع اگر ملتفت شود که سوره حمد نخوانده است اما سوره توحید را خوانده اجماع داریم که سوره حمد را بخواند و سوره توحید را تکرار کن اما اگر بعد از رکوع ملتفت شد، نیازی به قرائت نیست و نسیان قرائت معفو است و این اجماعی است

اجماع دیگری هم داریم که اگر بعد از سجدتین ملتفت شود که رکوع را نیاورده است، نماز باطل است

این دو اجماع با مطالب ما قابل تحلیل نیست؛ چون ما گفتیم ترتیب بین اجزاء نماز، شرط نماز است و طبق این مبنا اگر بعد از سوره توحید متذکر فراموشی حمد بشود، باید فقط حمد را تدارک کند و شرط ترتیب بین اجزاء از روی عذر اخلال شده است، پس چرا اجماع می گوید که باید توحید را هم تدارک کند؟ همچنین اگر اخلال به شرطیت ترتیب وارد شده است، چرا مجمعین می گویند بعد از رکوع لازم نیست قرائت را تکرار کند؟ حدیث لاتعاد شرطیت ترتیب را الغا می کند؛ چرا از اصل جزئیت سوره حمد و توحید رفع ید کند، بعد از رکوع قرائت را می خواند ترتیب مختل شده است اما اصل آن که نباید ترک شود.

اگر گفته شود که شاید مجمعین قائلند که ترتیب شرط اجزاء است نه شرط نماز؛

جواب داده می شود به اینکه اگر شرط اجزاء است، اگر دو سجده بجا بیاورد و متذکر شود که رکوع نکرده است، این دو سجده که شرعی نیست، شرط سجود این است که بعد از رکوع باشد و این سجود قبل از رکوع است پس سجود شرعی نیست نباید مبطل باشد چرا مجمعین گفته اند مبطل است؟

گفته نشود که شاید مجمعین زیاده سجود عرفی را مبطل می دانند ولو فاقد شرط شرعی باشد

جواب داده می شود که اگر این مبنا را قائل باشند باید بگویند اگر کسی بدون قصد رکوع خم بشود نماز باطل است چون زیاده رکوع عرفی شده است ولو فاقد شرط شرعی قصد رکوع است درحالیکه هیچ کس این را نمی گوید

پس نتوانستیم اجماع فقهاء را توجیه کنیم، چون اگر بگوییم ترتیب شرط نماز است فتوای فقهاء در بحث قرائت خراب می شود که می گویند بعد سوره توحید متذکر شود که حمد را نخوانده است، سوره حمد را تدارک کند و توحید را تکرار کند و بعد از رکوع متلفت شد لازم نیست سوره حمد را تدارک کند درحالیکه اگر اخلال به شرط ترتیب باشد در حال عذر شرط ترتیب ملغی است اما اصل شرطیت سوره حمد چرا ملغی شود؟

اگر گفته شود که مجمعین ترتیب را شرط اجزاء مثل رکوع و سجود می دانند در بحث قرائت مشکل حل می شود اما فتوای فقهاء به بطلان نماز در بحث تذکر نسیان رکوع بعد از دو سجده خراب می شود؛ چون اگر شرط سجود این است که بعد از رکوع باشد، زیاده سجدتین فاقد شرط شرعی نباید مبطل باشد پس چرا مجمعین گفته اند که باطل است؟

در نهایت ایشان توجیهی بیان می کنند تا در چارچوب اجماع فتوا داده باشند

بر اساس اجماع کشف کردیم که ترتیب شرط اجزاء است اما نه شرط لحاظی، بلکه شرط ذاتی! مرحوم سلطان العلماء در بحث مقدمه، وقتی گفته اند که مقدمه موصله واجب است، در جواب از اشکال دور به مقدمه موصله فرمودند: مقدمه در حین ایصال به ذی المقدمه واجب است موصله بودن قید لحاظی وجوب مقدمه نیست قضیه حینیه است یعنی ذات مقدمه در حال ایصال واجب است که تضیق قهری می شود، در تکوینیات مثال می زنند که حرارت صادر از آتش قضیه حینیه است که ذات حرارت از آتش صادر می شود نه به وصف صدور از آتش اما این ذات حرارت که صادر می شود تضیق قهری دارد اطلاق ندارد

در این بحث هم ایشان فرمودند: شرط ذاتی به نحو قضیه حینیه در رکوع این است که قبل از سجود باشد و در سجود هم این است که بعد از رکوع باشد اما شرط لحاظی نیست یعنی شارع شرط و قید قبل از سجود بودن رکوع را لحاظ نکرده است یعنی مولا در ذهنش یک نمازی دیده است که رکوعش قبل از سجود است و اصلا قبلیت و بعدیت را لحاظ نکرده است ولی اطلاق هم ندارد که شامل سجودی بشود که قبلش رکوع نیست یا شامل سجودی بشود که قبلش رکوع نیست مثل حرارتی که وقتی از آتش صادر می شود، اطلاق ندارد تا شامل حرارتی بشود که صادر از آتش نیست اما حرارتی که از این آتش صادر می شود، با قید لحاظی الحراره الصادره من هذه النار از این نار که صادر نمی شود بلکه ذات حرارت صادر می شود

با این توضیح ایشان فرمودند: اگر قید لحاظی رکوع را خراب کند، زیاده آن مبطل نیست اما اگر این شرط ذاتی را خراب کند، زیاده آن مبطل است.

کسی که منحنی می شود و قصد رکوع نمی کند شرط لحاظی انحناء این است که به قصد رکوع باشد؛ چون شارع لحاظ کرده این قید را ولذا انحناء بدون قصد رکوع، زیاده مبطله نیست یا مثلا سجود کند بر فرش نه بر خاکف قید لحاظی سجود را مختل کرده است سجود بر فرش سجود شرعی نیست لذا زیاده اش مبطل نیست اما سجودی که قبلش رکوع نباشد فقد قید لحاظی در آن نیست هر قیدی در سجود بود این سجود هم دارد فقط این سجود فاقد قید ذاتی است یعنی داخل در اطلاق امر نیست ولی فاقد قید لحاظی نیست و ما از اجماع مجمعین کشف کردیم که در قرائت وقتی سوره می خواند حمد نمی خواند، حمدی که بعد آن تکرار می کند، باید همراه با سوره باشد چون سوره ای که اول خوانده است اطلاق ذاتی اقراء السوره شامل آن نمی شود لذا باید امتثال کند امر به سوره را با تکرار سوره توحید بعد از حمد.

اما سجودی که قبل از رکوع می آورد، درست است که اطلاق امر اسجد شامل آن نمی شود اما زیاده سجود واجد قیود لحاظی سجود هست چون هر قید لحاظی به سجده زده شده است این سجده آن را واجد است و قبلیت رکوع که قید لحاظی نیست و لذا اگر دو سجده بیاورد، زیاده این سجود مبطل است. بله اطلاق امر شامل این سجده نیست اما بخاطر تقید ذاتی است نه به خاطر انتفاء یک قید لحاظی! لذا اگر قید لحاظی سجود اتیان نشود زیاده سجودی که فاقد قید لحاظی است مبطل نیست اما این سجود هیچ قید لحاظی در آن معدوم نیست و تمام قیود لحاظی در آن جمع است فقط فاقد قید ذاتی است که لحاظ نشده است و اجماع داریم که اگر سجود فاقد قید ذاتی باشد اما فاقد قید لحاظی باشد زیاده اش مبطل است. با این توضیحات مطلب ایشان اثبات شد.

حاج شیخ عبد الکریم از کسانی است که قائل است زیاده سجود شرعی مبطل است نه زیاده سجود عرفی اما در این بحث معنا کردند که زیاده سجود شرعی یعنی زیاده سجودی که تمام قیود لحاظی در آن جمع باشد ولو قیود ذاتی را نداشته باشد؛ لذا اگر سجودی باشد که قبل آن رکوع نبوده است، سجودی است که قید لحاظی در آن منتفی نیست فقط قید ذاتی در آن منتفی است زیاده سجودی که فاقد قید لحاظی نباشد ولو فاقد قید ذاتی است زیاده مبطل نماز است لذا اگر دو سجده بجا بیاورد که قبل آن رکوع نباشد، نمازش باطل است چون اگر بعد از رکوع دو سجده نیاورد امر به سجدتین را امتثال نکرده است؛ چون امر به سجدتین نسبت به د سجده قبل از رکوع اطلاق ندارد و اگر دو سجده را بعد از رکوع بیاورد، دو سجده قبل از رکوع زیاد کرده ولو اطلاق امر آن دو سجده را شامل نیست اما چون فاقد قید ذاتی است نه قید لحاظی و زیاده سجودی که واجد جمیع قیود لحاظی سجود مامور به است زیاده مبطله است ولو اطلاق امر بخاطر قصور ذاتی آن را شامل نشود.

این فرمایشات حاج شیخ عبد الکریم که انصافا دقت هم داشته اند اما ثمری ندارد:

و برخی مثل حاج شیخ عبد الکریم حائری، امام خمینی، آیت الله گلپایگانی و محقق خوانساری احتیاط واجب کردند که طبق این احتیاط باید رکوع را تدارک کند و بعد سجدتین را اتیان می کند و نماز را تمام می کند و بعد نماز را اعاده می کند.

البته حاج شیخ عبدالکریم حائری در تقریر صلاه مرحوم آمیرزا محمود آشتیانی ج 2 ص 305 فرمودند: «الاقوی عدم البطلان ولکن الفتوی بالصحه لم یعثر علیها من احد من الاصحاب فلا ینبغی ترک الاحتیاط باتیان الرکوع و اتمام الصلاه ثم اعادتها» اگر قبل از دخول در سجده ثانیه، متوجه فراموشی رکوع شود، اقوی عدم بطلان است اما ما ندیدیم که یک نفر از فقهاء از متقدمین فتوای به صحت بدهند.

## بررسی مقتضای قاعده

بحث در این بود که مقتضای قاعده و بعد مقتضای روایات را چیست.

محقق بروجردی هم در تعلیقه عروه و هم در تقریرات این بحث را مطرح کردند.

در تعلیقه عروه در بحث رکوع و در بحث خلل فتوای به بطلان نماز دادند.

در بحث رکوع فرمودند: «الأقوى هو البطلان بالدخول في السجدة الأُولى نعم الأحوط هو العود و الإتمام ثمّ الإعادة»[[1]](#footnote-1)

در بحث خلل فرمودند: «الأقوى هو البطلان بالدخول في السجدة الأُولى»[[2]](#footnote-2)

در بحث استدلالی بیان ایشان در تبیان الصلاه ج 6 ص 37 با ج 7 ص 53 هم به لحاظ مقتضای قاعده و هم به لحاظ روایات مختلف است.

در ج 6 فرمودند: مقتضای قاعده بطلان نماز است و مقتضای اطلاق روایات هم بطلان است و هیچ مقیدی برای این روایات نیست. در ج7 فرمودند: مقتضای قاعده این است که حتی اگر بعد السجدتین هم متذکر شود که رکوع را فراموش کرده، نمازش صحیح است و برمی‌گردد و رکوع را تدارک می کند و سجدتین را می آورد و اشکالی ندارد که چهار سجده بجا آورده است؛ چون دو سجده اول از ابتدا مصداق سجدتین زائد نبود بلکه بعد از اتیان دو سجده بعدی، این دو سجده زائده می شود که جعل السابق زیادتین است که ادله مبطلیت زیاده، شامل جعل السابق زیادتین نمی شود و بعد هم روایات را بررسی می کنند.

روایت محمد بن مسلم مفادش این است که بنا بگذارد که این دو سجده ملغی باشد و برگردد رکوع را تدارک کند و بعد دو سجده را اتیان کند، ایشان فرمودند: این روایت خیلی مفادش خوب است و هیچ اعراضی از آن نشده است و می توان طبق آن فتوا داد درحالیکه در ج 6 این روایت را متهم به اعراض اصحاب و اشکالات دیگر کردند.

### بررسی کلام محقق بروجردی در جلد 6 تبیان الصلاه

ابتدا کلام ایشان در ج 6 را بررسی کنیم:

ایشان فرمودند: در ترتیب بین اجزاء دو احتمال است:

یک: ترتیب شرط خود جزء باشد، مثل اینکه مولا گفته: یشترط فی السجود ان یکون بعد الرکوع.

دو: ترتیب شرط نماز است.

اگر احتمال اول درست باشد، مشکلی نیست؛ چون وقتی بعد از سجده اولی ملتفت می شود که رکوع نکرده است، هنوز محل رکوع باقی است و این سجده، سجده مامور به نیست، چون سجده مامور به بعد از رکوع است و لذا رکوع را تدارک می کند، اما ظاهر ادله این است که ترتیب شرط اجزاء مثل رکوع و سجود نیست، بلکه شرط نماز است؛ یعنی نماز یک اجزایی مثل رکوع و سجود دارد و یک شروطی دارد که یکی از آنها ترتیب بین اجزاء است؛ طبق این احتمال، نماز باطل است؛ چون این سجده اول مشکلی ندارد و قابلیت دارد که جزء نماز باشد و فاقد شرطی نیست؛ چون شرط سجود این نیست که بعد رکوع باشد، بله این سجده جزء فعلی نماز نیست؛ چون در مرکب، یک جزء، زمانی جزء فعلی می شود که مرکب بتمام اجزاء محقق شود؛ لذا از محل رکوع عبور کرده و داخل در محل سجود شده است و دیگر قابل تدارک نیست و اگر تدارک شود، رکوع در غیر محل است بخلاف احتمال اول که با اتیان سجده از محل رکوع نگذشته است؛ چون شرط سجود این بود که بعد از رکوع باشد و این سجود فاقد شرط بوده است.

در جلد 7 راجع به مقتضای قاعده که بحث می کنند، همان دو احتمال در ترتیب را مطرح و همان احتمال شرط بودن ترتیب برای نماز را هم تقویت می کند اما در ادامه می فرمایند: اگر ترتیب شرط ذات جزء بود؛ یعنی شرط سجود این بود که بعد از رکوع باشد، از ابتدا که سجود را می آورد، این مصداق زیاده است؛ اگر سجدتین را بیاورد، مبطل نماز است.

اما چون ترتیب شرط سجود و رکوع نیست بلکه شرط نماز است (و الا جزء نماز، ذات رکوع و سجده است)؛ پس این سجده واحده یا سجدتین که قبل از رکوع اتیان می شود، زیاده در نماز نیست بعد که ملتفت می شود و قابل تدارک است (در جلد 6 فرمودند: قابل تدارک نیست اما اینجا می فرمایند قابل تدارک است) برمیگردد رکوع را تدارک می کند و بعد سجدتین را اتیان می کند که با این تکرار سجدتین، آن دو سجده قبلی، جعل السابق زیاده می شود که مبطل نماز نیست و نماز قابل تصحیح است و مقتضای روایات هم موافق با مقتضای قاعده است.

### اشکالات کلام محقق بروجردی

انصافا این مطلبی که در ج 6 فرمودند، قابل دفاع نیست:

**اشکال اول:** در دخول در غیر رکن، به ایشان نقض می شود، مثل اینکه سوره حمد را فراموش کرده و سوره توحید می خواند (که ایشان قرائت سوره را واجب می دانند) بعد یادش آمد که سوره حمد نخوانده است، طبق فتوای خود ایشان در قرائت، بر می گردد سوره حمد را می خواند و بعد سوره توحید را می خواند و نماز را تمام می کند.

طبق بیان ایشان در ج 6 این نماز باطل است و یا لااقل باید بگویند: نیاز به تدارک حمد و سوره نیست؛ چون شرط حمد این نیست که قبل از توحید باشد و شرط سوره توحید این نیست که بعد از حمد باشد، دو جزء هستند که شرط نماز ترتیب بین این اجزاء است، وقتی سوره حمد را نخواند و سوره توحید خواند، دیگر محل سوره حمد فوت شده است؛ لذا یا باید بگویند که نماز باطل است و یا اگر حدیث لاتعاد قرائت را تصحیح می کند، باید گفته شود که نیاز به تدارک نیست در حالیکه ایشان فرمودند: باید حمد را تدارک کند.

ممکن است ایشان بفرمایند: قرائت سوره حمد با قرائت سوره توحید در ذاتش ترتیب است؛ یعنی شرط سوره حمد این است که قبل از سوره توحید باشد.

اولا: این خلاف کلام ایشان است که قائل شدند ترتیب شرط نماز است نه شرط اجزاء.

ثانیا: اگر این بیان را هم بفرمایند، ما مثال دیگری می زنیم؛ بعد از قیام به رکعت ثانیه، متذکر شد که سجدتین را فراموش کرده است، ایشان طبق این مبنا باید بفرمایند: نماز باطل است اما ایشان صریحا در بحث خلل ج 3 فرمودند: نماز صحیح است و سجدتین را تدارک می کند و بعد به رکعت ثانیه برمی گردد و در این مورد هیچ روایتی هم نداریم و ایشان این مطلب را علی القاعده می فرمایند؛ چون قائلند که محل تدارک سجدتین باقی است. ذات قیام و ذات قرائت رکعت ثانیه که نقصی ندارد وقتی داخل قرائت رکعت ثانیه شده است، محل تدارک سجدتین فوت شده است؛ پس چرا می فرمایید: با تدارک سجدتین مشکل حل می شود و نماز صحیح است؟ این اشکال نقضی به ایشان است.

**اشکال دوم:** اگر شارع می گفت: بین صرف الوجود سجده و صرف الوجود رکوع ترتیب شرط است، در این صورت مناسب بود که ایشان بفرمایند که صرف الوجود سجده اولی محقق شده است و در این صورت رکوع تدارک شود، مشکل را حل نمی کند و نماز باطل است؛ چون ترتیب در نماز بین صرف الوجود سجود و صرف الوجود رکوع است و این را نمی شود جبران کرد.

اگر این را شارع بیان می کرد، به نظر ما باز هم می توان نماز را تصحیح کرد به اینکه اخلال به شرطیت ترتیب از روی عذر است؛ چون لحظه ای که سجده اولی را آورد، ناسی بود و اخلال به شرطیت کرد، حدیث لاتعاد جاری می شود و رکوع را تدارک می کند و نماز را ادامه می دهد.

علاوه بر اینکه اصل این احتمال خلاف ظاهر است که ترتیب بین صرف الوجود سجود و صرف الوجود رکوع معتبر باشد، بلکه ترتیب بین طبیعی رکوع و سجود معتبر است که این ترتیب قابل تدارک است؛ چطور در بحث تذکر نسیان سجدتین بعد از قیام به رکعت ثانیه، قابل تدارک بود یا در تذکر نسیان سوره حمد بعد از قرائت سوره توحید، قابل تدارک بود که با تدارک، ترتیب بین طبیعی دو جزء تحصیل می شود، اینجا هم ولو ترتیب شرط نماز است اما ترتیب بین طبیعی سجود و رکوع معتبر است و اگر نتوانسته است که با آن صرف الوجود سجود اول، ترتیب را محقق کند، اشکالی ندارد با سجود جدید، ترتیب بین طبیعی رکوع و طبیعی سجود را محقق می کند و این مستلزم زیاده رکن نیست که مشکل پیدا کند.

**اشکال سوم:** بر فرض شرط سجود این است که بعد از رکوع باشد و شرط رکوع این است که قبل از سجود باشد، با این فرض نتیجه چیست؟ اگر داخل در یک سجده شود، این سجده فاقد شرط است و ملغی است ولی اگر دو سجده بجا بیاورد، درست است که این دو سجده قبل از رکوع، فاقد شرط است اما زیاده سجود عرفی است که مشکل است و اگر تدارک هم نکند، در هنگام عمل، ملتفت به اخلال به شرایط سجود و رکوع است؛ لذا در هردو صورت مشکل است.

### بررسی کلام محقق بروجردی در جلد 7 تبیان الصلاه

ایشان در جلد 7 فرمودند: ترتیب شرط نماز است نه شرط اجزاء (که البته ما این مبنا را خلاف ظاهر می دانیم)، در نتیجه اگر فرد دو سجده را بجا بیاورد و متذکر شود که رکوع نکرده است، این دو سجده زیاده سجدتین نیست و محل تدارک رکوع هم باقی است (برخلاف مطلب ایشان در جلد 6) و رکوع را تدارک می کند و اتیان می کند به دو سجده دیگر که می شود جعل السابق زیاده، که مبطل نماز نیست.

به نظر ما این مطالب درست نیست؛ چون مثل محقق خوئی ممکن است بگوییم: این دو سجده اول از هنگام حدوثش زیاده بوده است؛ چون در غیر محلش است و اگر هم بگوییم عرف این را قبول نمی کند و تا دو سجده بعدی را تکرار نکند، این دو سجده اول متصف به زیاده نمی شود، مطلب صحیح این است که جعل السابق زیاده در ارکان مبطل است؛ چون «فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ»[[3]](#footnote-3) یا «مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[4]](#footnote-4) الاعاده، اطلاق دارد، چه جعل السابق زیاده باشد و چه از ابتدا در یک شی احداث وصف زیاده کند که عرف به این حالت اطلاق زیاده می کند.

خلاصه اشکال این است که هم آنچه که در جلد 6 فرمودند و هم آنچه که در جلد 7 فرمودند، تمام نیست و حق این است که باید بین ماقبل از سجده ثانیه و مابعد سجده ثانیه تفصیل داده شود و فرقی ندارد که ترتیب شرط صلاه باشد یا شرط رکوع یا سجود باشد.

## نظر استاد در فرض نسیان رکوع

اگر داخل در سجده اول شده است، محل تدارک رکوع باقی است و این مثال با مثال فراموشی قرائت حمد بعد از دخول در سوره توحید یا فراموشی سجدتین رکعت اول بعد از دخول در رکعت ثانیه، فرقی ندارد که نظر محقق بروجردی و تسالم اصحاب در هر دو مساله، بر عدم بطلان نماز است؛ چون عرفا محل تدارک باقی است و رکوع را تدارک می کند و سجدتین را انجام می دهد که نهایتا زیاده سجده واحده است و اگر بعد از سجدتین، متذکر فراموشی رکوع شود، نماز باطل است؛ چون عرفا «مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[5]](#footnote-5) شامل این فرد می شود که چهار سجده را در یک رکعت انجام می دهد و فرقی هم ندارد که ترتیب شرط اجزاء باشد یا شرط نماز باشد. این مطالب علی القاعده است.

### دفع یک شبهه

در فرضی که بعد از سجده ثانیه متذکر رکوع می شود، اگر ترتیب شرط نماز باشد، نباید نماز باطل باشد؛ چون رکوع را می آورد و سجدتین را اتیان نمی کند تا زیاده عرفیه نباشد و نهایتا شرط ترتیب نماز را رعایت نکرده است که از روی عذر بوده است و جزء مستثنیات لاتعاد نیست و لذا مشمول مستثنی منه لاتعاد است.

و اگر ترتیب شرط اجزاء‌ مثل رکوع و سجده باشد، چیزی که مبطل نماز است، اخلال به رکوع و سجود عرفی است و این فرد اخلال به رکوع و سجود عرفی نکرده بلکه اخلال به شرط شرعی کرده است که لاتعاد آن را شامل است.

محقق خوئی در اینجا از این مطلب به نفع خودش استفاده کرده است و فرمودند: با این دو نقض معلوم می شود مبنای ما درست است که قائلیم اخلال به شرایط شرعی اجزاء مانند رکوع و سجود، اخلال به خود رکوع و سجود مامور به است و مستثنی از حدیث لاتعاد است و الا اگر این مبنای ما را نپذیرید، باید در این دو مساله حکم به صحت بدهید در حالیکه هیچ کس نپذیرفته است که این نماز صحیح است.

به نظر ما چه ترتیب شرط نماز باشد و چه شرط شرعی رکوع و سجود، فرقی ندارد و معتقدیم که اخلال به شرایط شرعی رکوع و سجود، داخل در مستثنی حدیث لاتعاد نیست بلکه داخل در مستثنی منه لاتعاد است و مشمول لاتعاد است و این نماز را باطل می دانیم؛ چون عرفا نیاوردن یک جزء در جای خودش، اخلال به آن جزء است و فرق می کند با اینکه مثلا رکوع را اتیان کند اما شرط شرعی آن که استقرار است را ترک کند، در این صورت رکوع را در جای خودش آورده و به شرط آن اخلال کرده است؛ مثل اینکه در رکعت اول، چهار رکوع سهوا انجام دهد و بعد در سه رکعت بعدی بدون رکوع نماز بخواند، عرفا می گویند: رکوع را حفظ و اتمام نکرده است، رکوع و سجود باید در محلش بیاید و الا رکوع و سجود حفظ نشده است و لااقل این است که حدیث لاتعاد مجمل است و شبهه مفهمومیه اخلال به رکوع است؛ یعنی احتمال دارد در این صورت اخلال به رکوع صادق باشد که نمی توان دیگر لاتعاد جاری کرد.

طبق قاعده اولیه این نماز باطل است؛ چون به ترتیب اخلال وارد کرده است و اگر لاتعاد به عنوان دلیل ثانوی نتواند آن را شامل شود یا در شمولش شبهه باشد، نوبت به برائت نمی رسد و باید به عمومات اولیه که اقتضای اعاده می کند.

## بررسی کلام حاج شیخ عبد الکریم حائری

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مطالبی در تقریر مرحوم آشتیانی دارند که در کتاب الصلاه نیست و شبیه این مباحث را مطرح کرده اند و فرمودند:

اگر ترتیب شرط اجزاء باشد، حتی اگر سجده ثانیه را بجا بیاورد و بعد یادش بیاید که رکوع نکرده است، اشکالی ندارد؛ چون آن سجده ای که بجا‌ آورده است، زیاده سجود شرعی نیست همانطور که محقق خوئی در یک بحثی فرمودند که هم نقیصه سجود شرعی مبطل است و هم در ناحیه زیاده، زیاده سجود شرعی مبطل است؛ یعنی سجود واجد شرایط اگر زیاد کند، مبطل نماز است و دو سجده اول که اتیان شده است، واجد شرط نبود. شرط سجده این است که بعد رکوع باشد؛ لذا سجدتین فاقد شرط شرعی بوده، که زیاده سهویه سجود غیر شرعی مبطل نماز نیست.

اما اگر ترتیب شرط نماز باشد و آن چیزی که جزء است، ذات رکوع است؛ در این صورت دو سجده ای که اول آورده، زیاده در سجود شرعی کرده است اما اگر یک سجده بجا بیاورد و بعد متذکر رکوع شود، زیاده سجده واحده شرعیه است و «لَا يُعِيدُ صَلَاةً مِنْ سَجْدَةٍ»[[6]](#footnote-6) مشکل را حل می کند و علی القاعده نماز را می شود تصحیح کرد.

در نهایت ایشان فرمودند: استظهار ما این است که ترتیب شرط نماز است و ذات رکوع و سجود جزء نماز است و در این اجزاء ترتیب شرط نشده، بلکه در نماز ترتیب بین این اجزاء شرط شده است که یک شرط مستقل است، مثل استقبال قبله و ستر عورت که شروط نماز است؛ در این صورت با سجدتین قبل از رکوع، زیاده در سجده شرعی است که اگر یک سجده زیاده باشد «لَا يُعِيدُ صَلَاةً مِنْ سَجْدَةٍ»[[7]](#footnote-7) شامل است و نماز را تصحیح می کند اما اگر دو سجده زیاده باشد، زیاده رکن است و مبطل نماز است.

1. العروه المحشی، ج 2، ص 544 [↑](#footnote-ref-1)
2. العروه المحشی، ج 3، ص 215 [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%D9%87%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/11005/3/355/%D9%81%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/11005/3/355/%D9%81%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص319، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/319/%D9%84%D8%A7%20%DB%8C%D8%B9%DB%8C%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص319، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/319/%D9%84%D8%A7%20%DB%8C%D8%B9%DB%8C%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-7)